ولایت تشریعی پیامبر (ص) در اقراء

استاد: در آن جا هم که می‌گوید «فوض امر دینه» می‌تواند سراغ فقه برود. کما این‌که در روایت «ادین ما للامام ان یفتی» ذهن سراغ فقه می‌رود. معلوم می‌شود که در اینجا تمییز حیثیت دقیق است. الآن می‌خواهیم دقت کنیم. ریخت «یامرک ان تقرا» چیست؟ آخر روایت به این صورت می‌شود «یامرک ان تقرأ القرآن علی سبعه احرف». «ان تقرأ» متفرع بر سبعه نازل است؟ یا این‌که متفرع بر حرف واحد نازل است؟ یعنی قرآنی نازل شده علی حرف واحد امّا «یامرک ان تقرء»؛ یک ولایت در اقراء است. کدام یک از اینها است؟ اگر به این صورت باشد کلامی می‌شود. ظهور روایت درکدام است؟ «أتاني آت من الله فقال إن الله عز و جل يأمرك أن تقرأ القرآن على حرف واحد» یعنی نزل القرآن علی حرف واحد یا تقرأ علی حرف واحد؟ شما خودت به آن دست نزن، امت تو هم به آن دست نزنند، عین همان لفظ مراعات شود. «یا رب وسّع علس امتی»؛ این وسّع چطور توسعه‌ای است؟ «تقرأ» آن هم چه قرائتی است؟ اینجا دو وجه است، الآن من یک وجه را توضیح می‌دهم. وجه بعدی را بعداً عرض می‌کنم. وجه فعلی این است که پس قرآنی نازل شده؛ ان تقرأ القرآن؛ اما شما آن را هیچ توسعه‌ای ندهید. یعنی اعمال سنت در اینجا نکنید. حضرت هم فرمودند «وسّع علی امتی»؛ وسّع یعنی چه؟ یعنی خدای متعال این اختیار را به پیامبرش بدهد که حضرت در مقام اجرا تخفیف بدهند. در مقام اقراء بر مردم آسان بگیرند. و با حکَم دیگری که دارد. اتفاقا این‌که می‌گوییم «القرائه سنه متبعه» با این مناسب است. «فرضٌ» نمی‌گوییم .یک مُنزل‌هایی هست که اصلی است، القرائة سنة، یعنی بسیاری از این قرائات هست که از ناحیه ولایت است شبیه ولایت تشریعی است. ولایت در اقرائی است که خداوند متعال به پیامبرش داده است.

حال سؤال مهم در اینجا این است: اگر روی این احتمال فرض گرفتیم که خداوند متعال ولایت اقراء را به حضرت داده، این اقراءهای حضرت مورد تحدی هست یا نیست؟ سؤال مهمی است. من قبلاً در مباحثه عرض کرده‌ام. «نزل القرآن علی سبعه احرف» چون «نزل» دارد، حتماً کل سبعه احرف مورد تحدی است. یعنی هر کدام از این حروف مورد تحدی است. «فاتوا بسوره من مثله». اما اگر معنا کردیم «ان تقرأ»، شما مجاز هستید که اقراء را توسعه بدهید، اینجا چه می‌شود؟ در اینجا تحدی می‌شود یا نمی‌شود؟ فعلاً این سؤال بماند تا به آن فکر کنیم.

سؤال دیگر: اگر این روایت بخواهد در اقراء سنت توسعه بدهد، آیا منافاتی با اصل «نزل القرآن من عرش الله تعالی علی سبعه احرف» دارد؟ ندارد. مانعة الجمع نیست. «نزل القرآن علی سبعة»، نزولی است که از سنخ علوم قرآنی است. من کلام است و من فقه است. برای آن جا است. این را در فضای خودش بحث می‌کنیم. اما در ذیل او وقتی جلوتر می‌آییم یک «نزل القرآن علی سبعه احرف» داریم که به پیامبرش اجازه می‌دهد اقراء را از باب سنت توسعه بدهند. و سوم باز اجازه می‌دهد که خود امت بیش از اقراء حضرت اگر غلط خواندند مؤاخذ و معاقب نباشند.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:11:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2024 16:38:20 توسط ... .